

نقد و تحلیل آراء مفسران درباره «أُوْهَنَ الْبُيُوتِ» ذیل آیه ۴۱ سوره عنکبوت و تطبیق آن با علم تجربی

علی صابری*

محمدجواد توکلی خانیکی**

چکیده

قرآن کریم برای تربیت انسان، دارای تشبیهات گوناگونی است؛ در آیه ۴۱ سوره عنکبوت، ولایت‌پذیری غیر خدا را به سستی خانه عنکبوت تشبیه شده است؛ امروزه از تار عنکبوت جلیقه ضدگلوله ساخته می‌شود که حاکی از استحکام این رشته ظریف است. درباره چرایی تعبیر «أُوْهَنَ الْبُيُوتِ» عده‌ای سستی را به خانواده عنکبوت و برخی به تار عنکبوت نسبت داده‌اند. پژوهش حاضر با هدف واکاوی دیدگاه مفسران به روش تحلیلی - توصیفی سامان یافته است. نتیجه اینکه: اولاً فعل «إِتَّخَذَتْ» ناظر به عنکبوت مؤنث است که خانه را می‌سازد و «بیت» ناظر به جفت اوست که با هم خانواده تشکیل می‌دهند؛ اما مؤنث پس از بارداری جفت خود را می‌خورد و خانواده از بین می‌رود. از این رو «أُوْهَنَ» وصف خانواده است نه وصف تار؛ چراکه تار نمی‌تواند نقش خانه را ایفا نماید. این مفهوم درباره انتخاب غیرخداوند به عنوان ولی است که با از بین رفتن منافعشان جمع‌شان از بین می‌رود. ثانیاً علم تجربی تار عنکبوت را جزء محکم‌ترین سازه‌ها می‌داند. گونه‌ای از عنکبوت تار نمی‌تند پس تار، خانه عنکبوت نیست بلکه از آن برای مصارفی مثل تسخیر، شکار، ساخت اتاقک‌های جلداندازی استفاده می‌کند و برای آسایش و خواب زمستانه و تولید مثل مخفیگاهی مانند تونل می‌سازد. ثالثاً مشرک، ماسوی‌الله را که در جایگاه خداوند قرار می‌دهد، اما نمی‌تواند نقشی حداقلی بپذیرد. پس مسئله ماهیت شیء یعنی تار عنکبوت نیست! بلکه مشعر به نقش آن هست!

واژگان کلیدی

آیه ۴۱ سوره عنکبوت، بیت، أُوْهَنَ الْبُيُوتِ، تار عنکبوت.

alisaubery@gmail.com

tavakoli.mj@chmail.ir

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۸/۱۱

*. کارشناسی ارشد دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم (نویسنده مسئول).

** استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۳/۸

طرح مسئله

قرآن کریم در عصری که جاهلیت در عربستان حکم فرما بود و از علوم جدید خبری نبود، نازل گردید و به مرور زمان با پیشرفت علوم و طرح مباحث جدید سؤال‌هایی در رابطه با آیات و مفاهیم قرآن مطرح گردید و دانشمندان اسلامی را بر آن داشت تا در جهت فهم دقیق آیات به تحقیق و تفحص بیشتری بپردازند، از جمله پرسش‌هایی که مورد توجه و مذاقه اندیشمندان قرار گرفته، مفهوم و مصداق «أَوْهَنَ الْبُيُوتِ» در آیه «... وَإِنَّ أَوْهَنَ الْبُيُوتِ لَبَيْتُ الْعُنْكَبُوتِ»^۱ است. از یک سو با توجه به اینکه در این آیه از تمثیل استفاده شده است، فهم آن، اهمیت زیادی دارد. بنابراین وجه شبه که حلقه ارتباطی بین منطوق کلام و تمثیل است، جایگاه ویژه‌ای دارد. از سوی دیگر در قرن اخیر با توجه به پیشرفت علوم، تعبیر جدیدی از این آیه ارائه شده است. در اینجا این سؤال مطرح است که با توجه به محکم بودن تار عنکبوت چرا خدای متعال خانه عنکبوت را بسیار سست می‌داند؟ و تناقض ظاهری آن با علم چگونه حل می‌گردد؟ آیا ارتباطی بین مصداق و مفهوم «أَوْهَنَ الْبُيُوتِ» وجود دارد؟

پیشینه تحقیق

افزون بر تفاسیر ترتیبی که به تفسیر آیه مورد بحث پرداخته‌اند، برخی مقاله‌های قرآنی با کلیدواژه «وهن» به بررسی آیه مورد بحث پرداخته‌اند؛ مانند: کبری راستگو و مرضیه مهدیزاده طرقدری، «تحلیل معناشناختی تحلیل معناشناختی همنشینی «وهن»، «ضعف» و «استکانت» در آیه ۱۴۷ سوره آل عمران بر مبنای طرح مؤلفه‌های معنایی»^۲.

صلاح رشید، در مقاله «تأملات فی تفسیر آیه»،^۳ معتقد است: اولاً؛ از آنجایی که تارهای عنکبوت بسیار محکم است آیه به سستی خانواده عنکبوت اشاره دارد نه خانه او. ثانیاً؛ با به کار بردن فعل تأنیث آیه به صراحت بر مونث بودن آن تأکید دارد که این نکته را ۱۴۰۰ سال قبل قرآن مجید بدان پرداخته است. ابوالمنذر خلیل بن ابراهیم امین، در کتاب *بیت العنکبوت*، نتیجه گرفته که: این دیدگاه که در قرن اخیر مطرح گردیده و بیانگر آن است که خانه عنکبوت به لحاظ معنوی، جزء ضعیف‌ترین خانه‌هاست، بر این پایه سست‌ترین خانواده‌ها، خانواده عنکبوت است بدین علت که سستی معنوی در آن وجود دارد؛ یعنی بدون طلاق از هم فرو می‌پاشد و عنکبوت ماده پس از بارداری عنکبوت نر را طعمه خود قرار می‌دهد.

۱. عنکبوت / ۴۱.

۲. راستگو و مهدیزاده، «تحلیل معناشناختی تحلیل معناشناختی همنشینی «وهن»، «ضعف» و «استکانت» در آیه ۱۴۷ سوره آل عمران بر مبنای طرح مؤلفه‌های معنایی»، *پژوهشنامه معارف قرآنی*، سال ۱۰، ش ۳۶، ص ۱۳۱.

۳. *مجله الاعجاز العلمي*، ش ۱۷.

فیومی در، *الإعجاز العلمي في القرآن الكريم* بر باور است که: عنکبوت مونث است و کاربست آن در قرآن کریم بیانگر اعجاز علمی آیه است؛ چرا که براساس کشفیات علمی عنکبوتی که تا می‌تند، مونث است و آمیزش، عنکبوت نر را از بین می‌برد. از جهتی دیگر اینکه گفته شده چون عنکبوت ماده پس از مقاربت جفت نر خود را از بین می‌برد و همچنین بعضی از فرزندان یکدیگر را بعد از به دنیا آمدن از بین می‌برند. این دیدگاه‌ها ممکن است به صورت نسبی مصداق داشته باشد اما عدم اطلاق این دیدگاه‌ها به همه موارد و هم جهت نبودن با هدف و سیاق آیات مورد پذیرش نیست. لذا این مقالات با کاستی‌هایی روبرو است زیرا:

اولاً: بیت را به معنا خانواده گرفته‌اند که منطقی نیست؛

ثانیاً: همه گونه‌های عنکبوت جفت خود را از بین نمی‌برند و این عدم اطلاق به همه گونه‌ها با این معنا مخالف است!

آنچه مغفول مانده این است که: آیه در صدد این نیست که به ما پیامزد تا عنکبوت سست است! بلکه می‌خواهد بگوید مشرک (شرک خفی یا آشکار) چیزی (انسان یا هر شیء دیگری) را که در جایگاه خداوند قرار دهد، نمی‌تواند کوچکترین نقشی بپذیرد. در نگاه فلسفه مسئله ناظر به ماهیت شیء (همان تار عنکبوت) نیست بلکه ناظر به جایگاه و نقش آن هست. این همان وجه امتیاز پژوهش حاضر بر سایر پژوهش‌هاست.

مفهوم‌شناسی

بعضی واژگانی که در عنوان مقاله آمده است؛ نیازمند توضیح لغوی و اصطلاحی است که با مراجعه به معاجم و فرهنگ لغت‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱. اوهن

واژه «أوهن» مشتق و اسم تفضیل از ماده «و ه ن» است و معنای آن ارتباط وثیقی با ریشه خود دارد. واژه «و ه ن» به سستی در ویژگی‌های جسمانی و اخلاقی اطلاق می‌گردد.^۱ همچنین به معنای ضعف، ناتوانی و به معنای سستی در عمل و یا شیء نیز در نظر گرفته شده است^۲ پس و ه ن به معنای سستی و «أوهن» صیغه تفضیل آن است. بر این پایه «أَوْهَنَ الْبُيُوتِ» یعنی «أضعف البيوت»^۳ این واژه در قرآن کریم به پدیدار شدن ضعف در اثر بروز علتی در بدن یا عمل یا فکر و یا مقام نیز گفته می‌شود.^۴ برخی در

۱. شیبانی، *کتاب الجیم*، ج ۳، ص ۲۰۹؛ راغب اصفهانی، *مفردات*، ص ۸۸۷

۲. ابن عباد، *المحیط فی اللغة*، ج ۱۱، ص ۸۸۷

۳. زحیلی، *التفسیر المنیر*، ج ۲۰، ص ۲۴۳.

۴. مصطفوی، *التحقیق*، ج ۱۳، ص ۲۱۴.

رابطه بین ضعف و وهن گفته‌اند: ضعف برخلاف قوت است که فعل خداوند متصف به آن است و وهن وصف فعل انسان است و هنگامی که کار انسان ضعیف باشد به آن وهن گفته می‌شود،^۱ مانند آنچه که در قرآن آمده: «وَلَا تَهْنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ».^۲

۲. بیت

«بیت» به معنای خانه و مأوی انسان است.^۳ اصل «بیت»، جایگاه و پناهگاه انسان در شب است، زیرا می‌گویند: بات؛ یعنی در شب اقامت گزید و ساکن شد، سپس به مسکن و خانه، بدون در نظر گرفتن تعبیر شب، «بیت» گفته‌اند که جمعش اَبیَات و بُیُوت است ولی واژه بیوت مخصوص خانه‌هاست و ابیات برای شعر و اشعار.^۴ قرآن کریم می‌فرماید: «فَتِلْكَ بُیُوتُهُمْ خَاوِيَةً يَمَا ظَلَمُوا»^۵ که معنای بیت در این آیه، شامل خانه‌هایی است که از سنگ، گل و گچ یا پشم کرک ساخته می‌شود (خانه‌های شهری و عشایری) تسمیه شعر و اشعار هم تشبیهی است از همان خانه‌ها، مکان و جایگاه هر چیزی هم به «بیت» تعبیر شده است، زیرا جای آن چیز است.^۶ در زبان عربی «دار» به معنای ساختمان است^۷ و کلمه «دار»، مفهوم کلی تری نسبت به بیت دارد که شامل خانه و قبیله می‌شود.^۸ در واقع خانه از آن جهت «دار» گفته شده که اطراف انسان دایره‌وار می‌گیرد و همچنین دنیا، دار گفته شده که دایره‌وار می‌چرخد.^۹ آنچه از مفهوم بیت برمی‌آید، به بخشی گفته می‌شود که روابط خصوصی خانواده در آن جریان دارد، همان مکانی که روابط صمیمی و نزدیک میان اعضای آن وجود دارد و بیشتر بر اتاق دلالت می‌کند.^{۱۰} بنا بر این دو معنای خانه و زن برای بیت نقل شده است.

۳. عنكبوت

برخی گفته‌اند: «عَنْكَبُوت» حیوان شناخته شده‌ای است که بر وزن فعللوت و به صورت مؤنث و مذکر به کار می‌رود.^{۱۱} گفته شده: عنكبوت جانور کوچکی است که در هوا و به روی دهانه چاه، ترکیبی را

۱. عسکری، الفروق، ص ۱۰۹.

۲. آل عمران / ۱۳۹.

۳. فراهیدی، کتاب العین، ج ۸، ص ۱۳۸؛ ابن فارس، مقاییس اللغة، ج ۱، ص ۳۲۴.

۴. مصطفوی، التحقيق، ج ۱، ص ۳۵۸.

۵. نمل / ۵۲.

۶. راغب اصفهانی، مفردات، ص ۱۵۱.

۷. فراهیدی، کتاب العین، ج ۸، ص ۵۸؛ ابن عباد، المحيط فی اللغة، ج ۹، ص ۳۴۱.

۸. ابن فارس، مقاییس اللغة، ج ۲، ص ۳۱۱.

۹. مصطفوی، التحقيق، ج ۱، ص ۶۹۵.

۱۰. قرشی بنابی، قاموس قرآن، ج ۱، ص ۲۵۲.

۱۱. ابوحیان، البحر المحيط، ج ۸، ص ۳۵۷؛ ابن منظور، لسان العرب، ج ۱، ص ۶۳۲.

می‌بافد. گاهی در شعر به صورت مذکر هم آمده است و گفته شده است «عَنْكَبَ» اسم جنس عنکبوت است.^۱ بعضی قائلند که این کلمه مؤنث است و به عنکبوت نر نیز هیجمنان می‌گویند.^۲ نام‌گذاری سوره به نام عنکبوت که واژه‌ای مفرد است، به این دلیل است که عنکبوت به صورت فردی زندگی می‌کند.^۳ در نتیجه کلمه عنکبوت هم بر یک عدد از آن حشره اطلاق می‌شود و هم بر جمع آن، هم در مذکر به این صورت می‌آید و هم در مؤنث؛ یعنی عنکبوت ماده را نیز عنکبوت می‌گویند.^۴

بازکاوی مفهوم «أَوْهَنَ الْبُيُوتِ»

با توجه به سیاق آیات سوره عنکبوت، بعضی از کسانی که در مکه و قبل از هجرت، به رسول خدا ﷺ ایمان آورده بودند، با تشویق یا تهدید مشرکان از ایمان خود برگشتند، از این عده برخی نیز به درخواست پدر و مادر خود این رویه را در پیش گرفتند. بر این اساس خداوند به جهات گوناگونی مسلمانان را مورد خطاب قرار داده و آنان را از دام مشرکان با خبر و برحذر می‌دارد تا آنجایی که تمثیل آنان، نام سوره قرار می‌گیرد؛ بدین گونه که خدای متعال می‌فرماید: «مَثَلُ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ كَمَثَلِ الْعُنكَبُوتِ اتَّخَذَتْ بَيْتًا وَإِنَّ أَوْهَنَ الْبُيُوتِ لَبَيْتُ الْعُنكَبُوتِ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ»^۵ در این آیه کسانی که غیر خدا را، ولی خود قرار می‌دهند، به عنکبوتی تشبیه شده‌اند که خانه‌ای برمی‌گزیند که به توصیف قرآن کریم، «أَوْهَنَ الْبُيُوتِ»؛ یعنی سست‌ترین خانه‌هاست. خداوند در این تمثیل انتخاب مشرکان را به خانه عنکبوت تشبیه کرده است؛ همان‌طور که عنکبوت سست‌ترین خانه‌ها را می‌سازد؛ عقاید مشرک را به سست‌ترین‌ها تشبیه می‌نماید.^۶ در واقع این آیه ضرب‌المثل خانه‌ای را در نهایت ضعف و سستی نشان می‌دهد، زیرا با استفاده از تأکیدهای فراوان ادبیات عرب، از چند جهت مورد تأکید قرار گرفته است: ۱. ان؛ ۲. بنای افعال التفضیل؛ ۳. ماده وهن، زیرا با توجه به آیه ۱۴۶ سوره آل عمران وهن بر ضعف و استکانت مؤکد است. به علاوه «وهن» عنوان یکی از مفاهیم میدان معنایی ضعف محسوب می‌شود و برحسب مؤلفه‌های معناساز (+انتقال از قوت) و (+گذر زمان) قابل توجیه است درحالی‌که واژه ضعف نسبت به گذر زمان خنثی و بی‌نشان است؛^۷ ۴. معرفه

۱. ابن‌منظور، *لسان العرب*، ج ۱، ص ۶۳۲

۲. ابن‌عباد، *المحیط*، ج ۳، ص ۳۸۵

۳. بی‌نام، «اعجاز علمی قرآن کریم»، *مکاتبه و اندیشه*، ش ۳۸، ص ۳۴

۴. طباطبایی، *المیزان*، ج ۱۶، ص ۱۳۰

۵. عنکبوت / ۴۱

۶. طبرانی، *التفسیر الکبیر*، ج ۵، ص ۱۰۲؛ حائری طهرانی، *مقتنیات الدرر*، ج ۸، ص ۱۸۵

۷. راستگو و مهدیزاده «تحلیل معناشناختی تحلیل معناشناختی هم‌نشینی «وهن» و «استکانت» در آیه ۱۴۷

سوره آل عمران بر مبنای طرح مؤلفه‌های معنایی»، *پژوهشنامه معارف قرآنی*، ص ۳۶

با الف و لام، جنس است و استغراق را می‌رساند.^۱ لذا تأکید را می‌رساند. با توجه به اینکه «وهن» به معنای ضعف است و «أوهن» به معنای أضعف است؛^۲ پس «أوهنَ الْبُيُوتِ» ضعیف‌ترین خانه‌هاست. در رابطه با مصادیق «أوهنَ الْبُيُوتِ» در این آیه نظرهای گوناگونی مطرح، و به ابعاد مختلف این آیه پرداخته شده است که به دو دیدگاه کلی قابل تقسیم است: ۱. ضعیف بودن به لحاظ خَلْقی؛ ۲. ضعیف بودن به لحاظ خُلْقی.

لازم به ذکر است که در این پژوهش جنبه «خَلْقی» به معنای آنچه که توسط عنکبوت خَلَق شده؛ یعنی تار بافته شده توسط اوست و جنبه «خُلْقی» به معنای منش و روش زندگی عنکبوت است که ناظر به خانواده اوست. می‌توان گفت تمایز این دو دیدگاه برگرفته از معنای کلمه «بیت» است، بدین گونه که اگر «بیت عنکبوت» به معنای خانه عنکبوت در نظر گرفته شود، در نتیجه مفهوم «أوهنَ الْبُيُوتِ» به سستی خانه و تار عنکبوت اشاره دارد؛ لذا تار عنکبوت بر جنبه مادی و خلقت ناظر است، اما اگر «بیت عنکبوت» به معنای خانواده عنکبوت در نظر گرفته شود، در نتیجه سستی به تار و خانه او اشاره ندارد، بلکه ناظر به خُلُق و خوی عنکبوت است که در ادامه به تبیین این دو پرداخته می‌شود.

۱. ضعف خَلْقی

بر پایه این دیدگاه، مفسران برای تبیین مفهوم «أوهنَ الْبُيُوتِ»، زیست عنکبوت را مد نظر گرفته‌اند و سستی را نوع مصنوع و ساخته دست عنکبوت می‌دانند و گفته‌اند أوهن به خانه عنکبوت اشاره دارد که توسط او ساخته شده است.^۳ این مثلی است برای توده مردم؛ ممکن است ما خانه‌ای داشته باشیم از بیت عنکبوت موهون‌تر و سست‌تر ولی آن را باید علم تشخیص دهد. تشخیص کار توده مردم نیست مردم بیت عنکبوت را به عنوان «أوهنَ الْبُيُوتِ» می‌شناسند این معنایش این نیست که خانه‌ای سست‌تر از خانه عنکبوت نیست ممکن است حشرات ریزتر و ضعیف‌تری باشند که خانه آنها از خانه عنکبوت ضعیف‌تر باشد اما آن از دسترس مردم خارج است.^۴ با این وصف ملاک تشخیص و شناخت مردم از سست‌ترین خانه‌هاست؛ زیرا تار عنکبوت در بین مردم خانه او محسوب شده و به سستی شهره است. این دیدگاه ناظر به ساختار مادی است که از آن به جنبه خَلْقی تعبیر شده و مطابق آن مفهوم «أوهنَ الْبُيُوتِ» مورد بررسی قرار گرفته است.

۱. ابن‌هشام، معنی‌الادیب، ص ۵۰.

۲. طوسی، التبیان، ج ۸، ص ۲۱۱؛ طبرسی، تفسیر جوامع الجامع، ج ۸، ص ۴۴۶؛ حجازی، التفسیر الواضح، ج ۲، ص ۸۷۲؛ سعدی، تیسیر الکریم الرحمن فی تفسیر کلام المنان، ص ۷۵۷؛ صابونی، صفوة التفاسیر، ج ۲، ص ۴۲۲.

۳. خازن، لباب التأویل فی معانی التنزیل، ج ۳، ص ۳۸۱؛ حسینی شاه عبدالعظیمی، تفسیر اثنی عشری، ج ۱۰، ص ۲۳۷.

۴. جوادی آملی، پایگاه سخنرانی مذهبی «ایران صدا».

یک. مشرکان

خدای متعال در تمثیل بیت عنکبوت که از آن به سست‌ترین یاد می‌کند کسانی را که غیر او را بر می‌گزینند مورد مثل قرار می‌دهد و برای وجه شبه آن از مفهوم «أَوْهَنَ الْبُيُوتِ» استفاده می‌کند بر این پایه برخی از مفسران در تبیین این مفهوم، آن را ناظر به مشرکان دانسته‌اند؛ به طوری که در بین آنان عده‌ای در تعیین مصداق آن دین مشرکان^۱ و برخی دیگر حال مشرکان را مورد توجه قرار داده‌اند؛^۲ دین مشرکان به معنای اعتقادات و باورهای آنان است و «أَوْهَنَ الْبُيُوتِ» ناظر به چگونگی و تبیین اعتقاد مشرک است که گفته شده منظور دین اهل شرک و باطل است که در ضعف و سستی مانند خانه عنکبوت است که از تار تشکیل یافته و به اندک بادی از هم گسیخته می‌شود و کیش باطل از خانه عنکبوت هم سست‌تر است، زیرا در بیت عنکبوت حقیقتی و انتفاعی متصور است، به خلاف دین و کیش باطل که حقیقت و بنیادی ندارد و متوقع ضرر است.^۳ این تمثیل نشان می‌دهد جاه‌طلبی برخی، آنان را به اختیار ارباب قدرت می‌گذارد و آنان به امید رسیدن به مقام مطلوب، دین و شخصیت خود را به اختیار معبود خود می‌گذارند و در واقع این‌گونه دین آنان سست‌ترین دین‌هاست.^۴ از آنجایی که در جمله «مَثَلُ الَّذِينَ اتَّخَذُوا» مشرکان به غیر از خدا اولیایی برای خود گرفته‌اند، همین معنا را خداوند در قالب صله و موصول آورده و نفرمود: مثل دین مشرکان یا مشرکان مثل عنکبوت است، بلکه فرمود مثل کسانی که به غیر از خدا اولیاء می‌گیرند، مثل عنکبوت است که برای خود خانه می‌گیرد. در نتیجه معنا این می‌شود که صفت مشرکان در گرفتن اولیایی به غیر از خدا، چون صفت عنکبوت است در گرفتن خانه‌ای که آن خصوصیات را دارا است^۵ در نتیجه سیاق آیه بیانگر تشبیه اتخاذ در مشرکان و عنکبوت است.

برخی از مفسران گفته‌اند «أَوْهَنَ الْبُيُوتِ» بیان حال مشرکان است که به جای خداوند، اولیا یعنی بت‌ها را گرفته‌اند که هیچ قدرتی ندارند^۶ در ضعف همانند خانه عنکبوت است^۷ در واقع خداوند در این آیه وضع مشرکان را که به سوی غیر خدا رفته تشبیه به حال عنکبوت نموده است.^۸ هر که به غیر خدا تکیه

۱. خازن، *لباب التأویل فی معانی التنزیل*، ج ۳، ص ۳۸۲؛ حسینی شاه عبدالعظیمی، *تفسیر اثنی عشری*، ج ۱۰، ص ۲۳۸.

۲. رازی، *روض الجنان و روح الجنان*، ج ۱۵، ص ۲۰۹.

۳. حسینی شاه عبدالعظیمی، *تفسیر اثنی عشری*، ج ۱۰، ص ۲۳۷.

۴. خازن، *لباب التأویل فی معانی التنزیل*، ج ۳، ص ۳۸۱.

۵. طباطبایی، *المیزان*، ج ۱۶، ص ۱۳۰.

۶. ابن‌ابی‌حاتم، *تفسیر القرآن العظیم*، ج ۹، ص ۳۰۶۳؛ سمرقندی، *تفسیر بحر العلوم*، ج ۲، ص ۶۳۴؛ حدادی، *المدخل لعلم تفسیر کتاب الله تعالی*، ص ۴۲۳؛ کاشانی، *تفسیر منهج الصادقین*، ج ۷، ص ۱۳۶؛ شبر، *الجواهر الثمین*، ج ۵، ص ۶۴.

جزایری، *ایسر التفاسیر لکلام العلی الکبیر*، ج ۴، ص ۱۳۷.

۷. رازی، *روض الجنان و روح الجنان*، ج ۱۵، ص ۲۰۹.

۸. طبرسی، *تفسیر جوامع الجامع*، ج ۸، ص ۴۴۶.

کند، مثل آن است که به بیت عنکیوت تکیه کرده است؛ اعم از ملحد که به خود متکی باشد یا مشرک که به صنم و وثن متکی است یا به اشخاص یا گروه‌های وابسته به یک نظام حقوقی مرتبط باشد، همه این احوال مثل بیت عنکیوت است.^۱ خداوند در آیه مورد بحث، کسانی که غیر خداوند را به عنوان ولی انتخاب می‌کنند؛ به بیت عنکیوت تشبیه نموده و میزان خطاکاری این افراد را به نوع انتخاب آن گره زده و منتخب آنان را سست‌ترین انتخاب در نظر گرفته است و این تمثیل در پی بیان این نکته است که قبل از انتخاب هر چیزی به جای خداوند آن شیء در برابر خداوند سست‌ترین است و هیچ نقش مستقلی نمی‌تواند ایفا نماید، پس هدف خدای متعال بیان حال هر چیزی غیر از خود او است که در جایگاهی همانند می‌خواهد ایفای نقش نماید و با مشخص شدن حال او در این نقش که بسیار سست و ضعیف است، انسان را بر حذر دارد از اینکه غیر او را به عنوان ولی انتخاب کند. بر این پایه آیه اشاره به شرک خفی نیز دارد به همین دلیل خداوند از لفظ اولیاء استفاده کرده است، گرچه حال مشرکان می‌تواند سست و ضعیف باشد اما در این آیه مراد خداوند نیست.

دو. بت‌ها

گفته شده در آیه مورد بحث «اتَّخَذَتْ بَيْتًا» پس از «كَمَثَلِ الْعُنْكُبُوتِ» آمده؛ یعنی منظور از تشبیه خود عنکیوت نیست بلکه کار سست و بی‌دوام آن است^۲ و جمله «وَإِنَّ أَوْهَنَ الْبُيُوتِ لَبَيْتُ الْعُنْكُبُوتِ» توضیح مَثَل است و معبودهای آنان نیز نظیر همان تار عنکیوت است که بهره و فایده ندارند^۳ بر این پایه «أَوْهَنَ»، ضعیف‌ترین در نظر گرفته شده که از جمله مصادیق آن را، بت دانسته‌اند^۴ و ضعف را به بت در نظر گرفته‌اند بت‌هایی مانند هبل و ...^۵ پس مراد از «أولیاء» معبودهای مشرکان است^۶ و مراد از «مَثَلُ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ» مشرکان هستند که اُصنام و آلهه خود را اولیاء خود گرفتند. باید گفت اگر فقط این بود مناسب بود خداوند می‌فرمود: من دُونِ اللَّهِ الهه، پس تعبیر به اولیاء اعم است که شامل آلهه و رؤساء و ارباب ضلال می‌شود که آنان تصور می‌کنند که به آنها کمک می‌کنند.^۷ در اینجا مشرکان نمی‌دانند که تکیه‌گاه‌ها و معبودان آنان تا چه اندازه سست هستند و همین جهل آنهاست که آنان را به

۱. جوادی آملی، پایگاه سخنرانی مذهبی «ایران صدا».

۲. قرشی بنابی، قاموس قرآن، ج ۸، ص ۱۴۴.

۳. قاسمی، تمثیلات قرآنی، ص ۲۲۹.

۴. تیمی، تفسیر یحیی بن سلام، ج ۲، ص ۶۳۱؛ طبرسی، تفسیر جوامع الجامع، ج ۸، ص ۴۴۶.

۵. مقاتل بن سلیمان، تفسیر مقاتل، ج ۳، ص ۳۸۴؛ طیب، اطیب البیان، ج ۱۰، ص ۳۲۷.

۶. هاشمی رفسنجانی، تفسیر راهنما، ج ۴، ص ۶۴.

۷. طیب، اطیب البیان، ج ۱۰، ص ۳۲۷.

گمراهی کشانده است. عنکبوت خود خانه یا خانواده خویش را انتخاب می‌کند و مشرکان نیز با اختیار خود سرپرستی معبودان و مستکبران را می‌پذیرند و به بی‌راهه می‌روند،^۱ همان‌گونه که خانه عنکبوت در مقابل حوادث استقامت نشان نداده، «بت» نیز چنین است که نه خیر و شری و نه نفع و ضرری در اصول زندگی و معاش و معاد مردم ندارند.^۲ پس همان‌طور که خانه عنکبوت به علت سستی و ضعف نمی‌تواند خانه باشد، بت‌ها نیز بدین‌گونه نمی‌توانند انسان را غنی کنند و عذاب را از او دفع نمایند و در واقع حکم این بت‌ها همانند عنکبوت و خانه‌اش است.^۳ این معنا که سرپرستی معبودها در این آیه بسیار سست و ضعیف در نظر گرفته شده صحیح است اما اگر مفهوم «أَوْهَنَ الْبُيُوتِ» فقط در این معنا منحصر باشد به دور از سیاق و مقصود اصلی آیه است. خداوند با به‌کار بردن واژه «أولیا» تمام اقسام شرک را مشمول گردانیده است. با توجه به سیاق، شرکی که در آیه ۸ این سوره از آن سخن به میان آمده «وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حُسْنًا وَإِنْ جَاهَدَاكَ لِتُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا»^۴ اعم از خفی و جلی است. آیه انسان را از اطاعت غیر خدا منع نموده بنابراین ولیّ گرفتن غیر خدا به کمتر از عبودیت هم هست. لذا ترجیح امر و دستور دیگری بر امر خداوند شرک است و اتمّ آن شرک آشکار است که مصداق آن در بت‌ها بارز می‌گردد.

سه. معبودهای ساختگی

برخی از مفسران گفته‌اند در این آیه استفاده از تعبیر «أولیا» به جای اُصنام و بت‌ها برای اشاره به این نکته است که نه تنها معبودهای ساختگی بلکه پیشوایان و رهبران غیر الهی نیز در همین حکم‌اند.^۵ در واقع پذیرش اولیایی غیر از خداوند است که مشرکان این‌گونه بوده‌اند^۶ و این تمثیل نیز شامل مواردی می‌شود که کسی، چیزی غیر از خداوند را ولیّ و زمامدار امری بپندارد و در مورد امور آن را مستقل بداند و مرجع این پنداشت درباره آن سبب طبیعی انکار توحید افعالی پروردگار است و علاقه قلبی به آن سبب مادی نیز بیهوده بوده و جز پنداشت و ساخته و پرداخته خود چیزی نیست،^۷ همچنان که در طول تاریخ برخی برای باران، باد و ... الهه در نظر گرفته و برای آنان نقشی مستقل از خداوند قائل بودند. به بیانی دیگر هرکس که با تکیه کردن بر بت، یا ثروت، یا دانش و یا قدرت از خدا روی گرداند، در زمره کسانی به شمار می‌رود که غیر از خدا

۱. رضایی اصفهانی، تفسیر قرآن مهر، ج ۱۶، ص ۸۱

۲. زمخشری، الکشاف، ج ۳، ص ۴۵۴؛ عاملی، تفسیر عاملی، ج ۷، ص ۶۶

۳. حائری طهرانی، مقتنیات الدرر، ج ۸، ص ۱۸۵.

۴. عنکبوت / ۸.

۵. مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۶، ص ۲۸۰.

۶. طباطبایی، المیزان، ج ۱۶، ص ۱۳۱.

۷. حسینی همدانی، تفسیر انوار درخشان، ج ۱۲، ص ۳۴۸.

دوستانی برای خود گرفته است و هر کس به جز خدا دوست و یآوری برای خویش بگیرد، از زیانکاران خواهد بود.^۱ پس اگر در آیه مورد بحث به جای کلمه آلهه، «أولیاء» آمده، به این دلیل است که متذکر گردد که داعی مشرکان در پرستش خدایان مسئله ولایت است، زیرا مشرکان می‌پنداشتند که بت‌ها بر کار آنان ولایت دارند، و امور آنان را تدبیر می‌کنند و این آیه با اطلاقی که دارد تمامی اقسام شرک را شامل می‌شود، و روی سخنش با تمامی کسانی خواهد بود که حتی در یک امری از امور خود به غیر از خدا ولی بگیرند و به آن تکیه کنند، و آن را مستقل در اثر خود بدانند، البته آن اثری که از وی توقعش را دارد، هر چند که آن ولی بت نباشد.^۲ آیه ولایت غیر خدا را نفی می‌کند؛ یعنی اگر اینها عاقل باشند به ولی غیر از خدا مراجعه نمی‌کنند. پس معلوم می‌شود تنها بحث علمی نیست که آیا در جهان غیر از خدا منشأ اثری هست یا نیست بلکه بحث عملی است؛ یعنی سخن از نفی اله نیست، سخن از نفی ولی است، دیگران اله را برای این می‌خواهند که از فیض او، لطف او و برکت او استفاده کنند، تحت ولای او باشند و سرپرستی آنها را به عهده بگیرد، پس غیر از خدا کسی ولی نیست.^۳ در نتیجه اگر واژه «أولیاء» به جای «آلهه» ذکر شده بدین جهت است که عبادت بر رأی و نظر و دوستی مردم مد نظر است و نه بر معیار دوستی خدا و داستان چنین کسانی داستان لانه عنکبوت باشد که بسیار سست است و از آن بهره نمی‌برند.^۴ بنابراین پذیرش ولایت غیر خدا به انتخاب عنکبوت تشبیه گردیده و عمل اولیا گرفتن غیر خداوند، کار سستی است؛ به عبارتی سست بودن به اولیا بر نمی‌گردد، همان طور که سست بودن به تار بر نمی‌گردد؛ چرا که خداوند سست‌ترین خانه‌ها را خانه عنکبوت دانسته و نه تار آن را، بلکه عمل گرفتن آن برای ایفای نقش بیت بودن کار سستی است به گونه‌ای که مثال در پی بیان کاربرد چیزی به جای چیز دیگر است؛ یعنی هیچ فردی نمی‌تواند نقش خداوند را به جای او اجرا کند (و نه به معنای در راستای خداوند)؛ همان طور که هیچ تار عنکبوتی نمی‌تواند نقش بیت را داشته باشد، همان گونه که اسکلت ساختمان نمی‌تواند نقش خانه را ایفا کند، گرچه از فولاد ساخته شده باشد! و این تشبیه بسیار دقیقی است، حال اینکه عنکبوت تار می‌تند برای شکار. در واقع بعد از تار تنیدن در جایی برای خود مخفیگاه درست می‌کنند تا وقتی که شکار به دام افتد؛^۵ به عبارتی مقصود از کاربرد تار همان به دام انداختن است. با توجه به سیاق آیه و مفهوم «أولیاء» که اشاره به پذیرش ولایت غیر خدا دارد، پژوهش حاضر این تعبیر را اتخاذ نموده و در تحلیل دو دیدگاه به بسط آن می‌پردازد.

۱. مغنیه، *تفسیر الکاشف*، ج ۶، ص ۱۸۷.

۲. طباطبایی، *المیزان*، ج ۱۶، ص ۱۳۱.

۳. جوادی آملی، *پایگاه سخنرانی مذهبی «ایران صد»*.

۴. عاملی، *تفسیر عاملی*، ج ۷، ص ۶۶.

5. F. Manicom, carryn, Lin Schwarzkopf, Ross A. Alford, and Thomas W. Schoener, PNAS, Self-made shelters protect spiders from predation, p. 149.

۲. ضعف خُلُقِی

در دیدگاه دوم ضعیف بودن به لحاظ خُلُقِی اشاره به منش و روش زندگی عنکبوت دارد. در این دیدگاه تار عنکبوت بسیار محکم و مقاوم است و تمثیل در آیه مورد بحث اشاره به خانواده عنکبوت دارد و نه خانه عنکبوت. این دیدگاه بیانگر این است که سست‌ترین خانواده‌ها، خانواده عنکبوت است بدین علت که سستی معنوی در آن وجود دارد؛ یعنی بدون طلاق از هم فرو می‌پاشد و عنکبوت ماده پس از بارداری عنکبوت نر را طعمه خود قرار می‌دهد^۱ و از آنجایی که تارهای عنکبوت بسیار محکم است آیه به سستی خانواده عنکبوت اشاره دارد نه خانه او^۲ و در این آیه «عنکبوت» مونث است و خداوند آن را بدین صورت به کار برده است که این امر از اعجاز علمی آیه است؛ چرا که علم کشف کرده عنکبوتی که تار می‌تند، مونث است و پس از آمیزش، عنکبوت نر را از بین می‌برد.^۳ با به کار بردن فعل تأنیث به صراحت آیه قرآن بر مؤنث بودن آن تأکید دارد که این نکته را ۱۴۰۰ سال پیش قرآن کریم به آن پرداخته است.^۴ واژه «بیت» در زبان عربی در اغلب موارد به معنای خانه استعمال می‌شود ولی در اینجا به معنای خانواده در نظر گرفته شده است. اما گاهی ممکن است به معنای زن و همسر به کار رود، نه به معنای خانواده؛ چرا که خانواده اعم از همسر است. در زبان محاوره وقتی می‌گوییم «همسر او» اگر ما واژه «او» را به معنای مونث در نظر بگیریم به طور قطع معنای «همسر» در اینجا، «شوهر» و «مرد» است. پس عنکبوت اگر به معنای مونث در نظر گرفته شود، به طور قطع منظور از «بیت» او مرد و شخص مذکر است. همچنین با توجه به فعل «تَخَذَتْ» مقصود از بیت ساختمان خانه نیست؛ زیرا برای ساختن از ماده «بنی - بینی» و معادل‌های آن استفاده می‌شود. پس آیه در صدد القاء ساختن خانه به وسیله عنکبوت نیست بلکه این مفهوم را القاء می‌کند که عنکبوت برای زندگی‌اش شریک می‌گیرد و خانواده تشکیل می‌دهد؛ از این جهت «أَوْهَنَ الْبَيْتِ» است که استمرار چندانی ندارد، زیرا عنکبوت با باردار شدن جفت خود را می‌خورد و کانون خانواده به کلی از بین می‌رود و این بهترین تشبیهی است که برای افاده این معنا به کار برده شده است که پذیرش ولایت غیر خدا بی‌پایه و بر اساس منافع مادی است که به مجرد از بین رفتن این منافع این همراهی و شراکت، نه تنها از هم گسیخته می‌شود بلکه در اغلب موارد به دشمنی تبدیل می‌شود؛ به طوری که هر یک از اعضای این اجتماع غیر مشروع و غیر الهی در صدد حذف فیزیکی یکدیگر برمی‌آیند. این ادعا که: عنکبوت ماده پس از مقاربت جفت نر خود را از بین می‌برد و همچنین

۱. ابراهیم امین، *بیت العنکبوت*، ص ۲۵؛ صلاح، «تأملات فی تفسیر آیه»، *الاعجاز العلمی*، ش ۱۷، ص ۱۷.

۲. صلاح، همان.

۳. فیومی، *الإعجاز العلمی فی القرآن الکریم*، ص ۵۹.

۴. صلاح، «تأملات فی تفسیر آیه»، *الاعجاز العلمی*، ص ۱۸.

بعضی از فرزندان یکدیگر را بعد از به دنیا آمدن از بین می‌برند^۱ بیانگر آن است که «بیت» در این آیه صرفاً اشاره به خانواده دارد و نه خانه، ادعای غلطی است که نمی‌تواند دلیلی متقن بر این باشد که خانواده عنکبوت سست است، زیرا همه انواع عنکبوت چنین صفتی را بر نمی‌تابند و این گونه زیست نمی‌کنند! در برخی از گونه‌های عنکبوت، جهت تکثیر، نر توسط ماده طعمه قرار نمی‌گیرد. بنا بر این اگر اعجاز این آیه را به سستی در خانواده تعبیر نماییم این ادعا بر اساس وجود برخی گونه‌های عنکبوت نقض می‌گردد که این گونه زندگی نمی‌کنند.^۲ پس نمی‌توان از این جهت سستی خانواده عنکبوت را منتج نمود؛ هر چند ممکن است گونه‌های دیگری از حیوانات وجود داشته باشند که طبق این نوع تفسیر، خانواده آنان سست باشد ولی مورد مثال واقع نشده است، زیرا اولاً عنکبوت برای همه انسان‌ها در هر عصر و مصری شناخته شده است، ثانیاً به دلیل کوچکی، حشره بودن و عملکرد متفاوت و اعجاب انگیزش تأثیر بیشتری در مخاطب دارد. یکی از علل مهم استفاده از تمثیل روشن شدن کلام برای مخاطب است. بدین ترتیب خداوند با این تمثیل رایج، ساده‌ترین مفاهیم (محسوس) را با مفاهیم عالی گره زده و احسن مفاهیم وحیانی را بر انسان القاء نموده است. لذا سست بودن خانه عنکبوت تمثیلی در بین مردم عصر نزول بوده و در اشعار عرب نیز مسبوق به سابقه است.

علي هطاهم منهم بيوت كأن العنكبوت قد ابتناها^۳

در آنجا خانه‌های برخی از مردم در ضعیف بودن و عدم استحکام لازم به خانه عنکبوت تشبیه شده گویا این خانه‌ها را عنکبوت بنا کرده است. پس بنا بر عرفی و عقلانی بودن زبان قرآن مجید می‌توان انتظار داشت قرآن در جهت تبیین معارف الهی از این تمثیل‌های رایج در فرهنگ مردم بهره جسته است. لذا این دیدگاه تقویت می‌شود که به مصداق «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَّسُولٍ إِلَّا بِلِسَانٍ قَوْمِهِ لِيُبَيِّنَ لَهُمْ؛^۴ ما هیچ رسولی را نفرستادیم مگر به زبان مردمش و به لغت و واژه ایشان تا بتواند احکام را برای آنان بیان کند». خداوند پیامبران را فرستاده تا با قوم خود به زبان عادی گفتگو کنند و مقاصد خود را به دیگران بفهمانند، و مقاصد وحی را به ایشان برسانند. پس خداوند، مسئله ارسال پیامبران و دعوت دینی را بر اساس معجزه و یک امر غیر عادی بنا گذاشته و چیزی هم از قدرت و اختیارات خود را در این باره به انبیای خود واگذار نکرده است.^۵ بدین ترتیب طبق دیدگاه اول جنبه خلقی، مفهوم «أَوْهَنَ الْبُيُوتِ» به جنبه زیستی و

۱. فیومی، *الإعجاز العلمي*، ص ۵۸.

2. Larva, *MalakhovBogomolova, Doklady Biological Science*, p. 91.

۳. فراء، *معانی القرآن*، ج ۲، ص ۳۱۷.

۴. ابراهیم / ۴.

۵. طباطبایی، *المیزان*، ج ۱۲، ص ۲۰ - ۱۹.

خانه عنکبوت اشاره دارد که در آیه مورد بحث غیر خدا به جای خدا اراده شده و برای آن مصادیق مختلفی ذکر گردیده و چه بسا سستی خانه‌اش به دلیل نگاه عرفی و ساده رایج در بین مردم است که انسان به سادگی می‌تواند آن را جمع کرده و از بین ببرد؛ یا اگر کوچک‌ترین حادثه‌ای برای آن پیش آید، از بین می‌رود و اثری از آن برجای نمی‌ماند. وقتی سخن از خانه عنکبوت به میان می‌آید، تار بافته شده توسط آن در ذهن مخاطب تداعی می‌گردد و بیت عنکبوت همانی است که از تار ساخته شده و چیز دیگری در ساختمان آن نقش ندارد. در نتیجه سستی خانه عنکبوت ناشی از تار بودن آن است. بر اساس دیدگاه دوم جنبه خُلُقِ اشاره به منش و خوی عنکبوت دارد و مفهوم «أَوْهَنْ الْبُيُوتِ» اشاره به خانواده متزلزل عنکبوت دارد که به دلیل بلعیده شدن نر توسط ماده پس از بارداری، خانواده از بین می‌رود و بر این اساس خداوند آن را تمثیلی از مشرکان قرار داده تا نشان از سستی آنان باشد. گفته شده که مانعی ندارد آیه به هر دو مطلب، خانه و خانواده اشاره کرده باشد.^۱ البته این دیدگاه با ظاهر و سیاق آیه و عرف مخالف است؛ زیرا هنوز هم عرف این را می‌فهمد که تار عنکبوت خانه اوست و با اصابت انگشت، به سادگی پاره می‌شود و سست است؛ یعنی نسبت به دید عرف سست است؛ هر چند از نظر علمی تارها دارای بافتی قوی است بنابراین دیدگاه مذکور چندان متقن و قابل پذیرش نیست.

عنکبوت در نگاه علم

خانه عنکبوت به دلیل تار بودن آن، با اینکه ضرب المثل در سستی می‌باشد، خود از عجایب آفرینش است که دقت در آن، انسان را به عظمت آفریدگار آشنا تر می‌کند، آنچه می‌بافد از تار فولادینی که به ضخامت آن باشد، محکم‌تر است!^۲ پس چگونه می‌توان گفت تارهای آن سست است و خانه او سست‌ترین خانه است؟ درحالی که حشرات بزرگتر از خود نمی‌توانند از آن فرار نمایند و بر آن چیره شوند؟ برای حل این مسئله لازم است با زندگی عنکبوت آشنا شویم و اینکه تار او چگونه ساخته می‌شود و چه کارایی دارد تا به مقصود خداوند از به کار بردن «أَوْهَنْ الْبُيُوتِ» برای عنکبوت برسیم. گونه‌های مختلفی از عنکبوت در دنیا وجود دارند که براساس آخرین تحقیقات علمی حدود ۴۰۰۰۰ گونه آن تار می‌تنند اما برخی گونه‌های دیگر از تار استفاده نمی‌کنند.^۳ حدود ۵۰ درصد آنها از تار برای شکار استفاده می‌کنند و مابقی برای محافظت از خود و فرزندان.^۴ جالب است که تار عنکبوت از ۱۰ تا ۵۰۰ درصد کشش دارند و

۱. رضایی اصفهانی، تفسیر قرآن مهر، ج ۱۶، ص ۸۱

۲. مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۶، ص ۲۷۹.

3. Blackledge, bn. Todd. A, Journal of Experimental Biology, Spider silk as a novel high performance biomimetic muscle driven by humidity, p. 1990.

4. Scheibel, Thomas, prion, The elaborate structure of spider silk, vol. 2, p. 154.

طول آن گاهی به ۲۵ متر می‌رسد،^۱ اما در رابطه با این تفسیر که گفته‌اند سست‌ترین خانه‌ها، خانه عنکبوت است این نکته علمی حائز اهمیت است که چقرمگی^۲ تار عنکبوت در حدود ۳۰ برابر استیل و ۶ برابر الیاف کربن (الیاف بسیار محکمی که توسط انسان ساخته شده است) می‌باشد.^۳ این حشره در خانه‌اش که همه فعالیت‌های حیاتی خود را در آن انجام می‌گیرد، می‌ماند. عنکبوت غیر از این خانه، مخفیگاه دیگری نیز برای خود می‌سازد که به وسیله تار شکار به خانه متصل می‌شود و در مواقع خطر به این مخفیگاه پناه می‌برد.^۴ نکته دیگر اینکه عنکبوت‌های ابتدایی‌تر عموماً از ابریشم خود برای پوشاندن تونل‌های زیرزمینی‌شان استفاده می‌کنند، در حالی که عنکبوت‌های پیشرفته (نسل‌های تکامل یافته امروزی) گامی فراتر رفته و از آن در فرایندهایی مثل تسخیر شکار و ساخت تور نیز استفاده می‌کنند. این جانوران از ابریشم خود برای پوشاندن حفرات مخصوص جلداندازی، تخم‌گذاری و زمستان خوابی استفاده می‌کنند. عنکبوت‌ها، از ابریشم خود برای مصارف مختلفی مثل تسخیر شکار، ساخت پناهگاه و ساخت اتاقک‌های جلداندازی استفاده می‌کنند.^۵ از این رو می‌توان گفت تمامی عنکبوت‌ها تار نمی‌تنند و گونه‌هایی که تار می‌تنند صرفاً برای خانه‌سازی استفاده نمی‌کنند بلکه برخی از انواع عنکبوت از تار جهت شکار استفاده می‌نمایند. پس تار عنکبوت و آنچه می‌بافد خانه و بیت نیست! بلکه محدوده شکارگاه اوست و اگر بپذیریم که سستی به خانه ناظر است این سؤال مطرح می‌گردد که خانه عنکبوت با وصف سست‌ترین به کار رفته است. آیا این امر بیانگر عدم دقت و برنامه‌ریزی خداوند در تقدیر زندگی حیوانات است؟! خیر؛ این گونه نیست بلکه لفظ «بیت» در آیه با توجه به زبان قوم و عرب عصر نزول به کار برده شده است؛ چرا که مردم آن سرزمین تار عنکبوت را به عنوان خانه عنکبوت می‌شناختند. حال این که علم به این نکته پی برده است که تار ابزاری برای شکار است و آنچه که به عنوان خانه او یاد می‌شود، شکارگاه اوست و این که از آن با عنوان سست‌ترین یادشده، برای آن است که پی ببریم آنچه که به عنوان خانه شناخته شده، در واقع خانه نیست. پس آیه در جهت نکوهش خلقت عنکبوت نیست بلکه بنا بر کشفیات علمی جدید عموم عنکبوتیان برای انسان‌ها بسیار مفیدند. همچنین اهمیت این جانوران با نقش مهم و بسزایی که در کنترل جمعیت حشرات دارند، با انقراض یک گونه عنکبوت تنها یک گونه جانوری نیست که نابود می‌شود، بلکه ممکن است امکان دسترسی بشر به نوعی پروتئین خاص درمانگر یا نوعی خاص

1. Eisoldt, Lukas, materialstoday, Decoding the secrets of spider silk, vol. 14, p. 82.

۲. مقاومت ماده در برابر شکست در صورت قرار گرفتن در معرض تنش.

3. Scheibel, Thomas, prion, The elaborate structure of spider silk, vol2, p. 154.

۴. بی‌نام، «عجاز علمی قرآن کریم»، مکاتبه و اندیشه، ص ۳۳.

۵. زمانی، علیرضا، راهنمای میدانی عنکبوت‌ها و عقرب‌های ایران، ص ۲۱۷.

از ابریشم را نیز با خود از بین ببرد.^۱ همچنین اطلاق آن بر همه انواع عنکبوت اشتباه است اگر کسی ادعا نماید این آیه به اطلاق سخن گفته اما چرا این تمثیل بر تمام موارد مصادیق صدق نمی‌کند؟! در جواب باید گفت که خداوند آن عنکبوتی که از تار برای خود خانه می‌سازد، مورد تمثیل قرار داده است؛ یعنی همان گونه‌ای را که مردم سرزمین عربستان با آن آشنایی داشته‌اند، نه اینکه هر عنکبوتی خانه‌اش سست است. بنا بر کشفیات اخیر نوعی از عنکبوت در دریا زندگی می‌کند و غذای خود را نیز از دریا به دست می‌آورد^۲ و خانه او از تار ساخته نشده و این نکته بسیار مهمی است و باید دانست با توجه به اینکه خداوند آیات خود را برای هر قومی براساس زبان و فهم آن قوم نازل می‌کند، بدین‌گونه خداوند همان گونه عنکبوت شناخته شده را در این آیه را مثال می‌زند که از تار جهت لانه‌سازی استفاده می‌نماید. باید در نظر گرفت که استفاده از امور محسوس، برای تبیین معارف دقیق، از روش‌های هدایتی قرآن مجید است.^۳ با توجه به دلایل علمی و بررسی سیاق آیات به نظر می‌رسد که مخاطبان این آیه طیف وسیعی از کسانی هستند که شرک خفی یا آشکار دارند و نمی‌توان مشرکان یا فقط برخی مسلمانان را مشمول این آیه دانست و سستی که در آن گفته شده فقط شامل انتخاب آنان نیست بلکه این سستی از اولیا آنان است که در نتیجه انتخاب (اتخاذ) آنان سست قلمداد شده است؛ به عبارت دیگر سست و ضعیف بودن در این آیه شامل اولیا و انتخاب (اتخاذ) این طیف می‌شود و سستی خانه عنکبوت ناشی از عدم واجد شرایط بودن خانه است که شامل محافظت، آسودن و آرامش می‌شود. همچنین با توجه به این نکته که خداوند خانه عنکبوت را سست می‌داند و نه تار آن را! می‌توان دریافت مراد کلام، سستی در ایفای نقش اولیای فرد است (ولیایی که غیر از خدا انتخاب نموده است)، همانند مسلمانی که والدین را به عنوان ولیّ و جایگزین برای خداوند انتخاب می‌نماید، گرچه پدر یا مادر مقامی رفیع و بلندی در نزد خداوند دارند؛ اما در جایگاه ولیّ برای فرزند قادر به ایفای نقش همه جانبه و صددرصدی نیستند؛ زیرا نسبت به خداوند کوچکترین نقش استقلالی در برآوردن حاجات فرزند خود ندارند. پس اگر انسان همانند تار عنکبوت بسیار محکم باشد، اما در ایفای نقش در برابر خداوند، سست‌ترین است. پس خداوند کوچکترین شریک را نمی‌پذیرد حتی برای والدین که انسان را دستور به احسان و نیکی کردن آنان را داده است. خداوند چه زیبا این تمثیل را قرار داد، مشرک همانند عنکبوت است که خدایان او نمی‌توانند او را از عذاب محافظت نمایند، همان‌طور که تار عنکبوت که ساخته خود اوست، نمی‌تواند برای او محافظ و محل آسایشی برایش باشد.

۱. همان، ص ۲۱۸ - ۲۱۷.

2. Larva, *MalakhovBogomolova, Doklady Biological Science*, P. 91.

۳. هاشمی رفسنجانی، *تفسیر راهنما*، ج ۱۴، ص ۶۴.

نتیجه

از مطالب پیش گفته نتایج زیر حاصل شد:

۱. خداوند لفظ «بیت» را با توجه به زبان عصر نزول به کار برده است؛ چرا که مردم آن سرزمین تار عنکبوت را به عنوان خانه عنکبوت می شناختند.
۲. مقصود از بیت ساختمان خانه نیست؛ زیرا برای ساختن از ماده «بنی - بینی» و معادل های آن استفاده می شود. پس آیه این مفهوم را القاء می کند که عنکبوت برای زندگی اش شریک می گیرد، خانواده تشکیل می دهد و با باردار شدن، جفت خود را می خورد و کانون خانواده به کلی از بین می رود؛ پس «أوهن البیوت» ناظر به سستی بنیان خانواده است و این بهترین تشبیهی است که خداوند برای افاده این معنا به کار برده که پذیرش ولایت غیر خدا متزلزل و بر اساس منافع مادی است که به مجرد از بین رفتن این منافع این همراهی و شراکت نه تنها از هم گسیخته می شود، بلکه در اغلب موارد به دشمنی تبدیل می شود؛ به طوری که هر یک از اعضای این اجتماع غیر مشروع و غیر الهی در صدد حذف فیزیکی یکدیگر برمی آیند.
۳. اینکه از نظر علمی ثابت شده که گونه ای از عنکبوت تار نمی تند ناظر به این است که تار، خانه عنکبوت نیست بلکه عنکبوت ها، از ابریشم خود برای مصارف مختلفی مثل: تسخیر شکار، ساخت پناهگاه و ساخت اتاقک های جلداندازی استفاده می کنند و برای آسایش و خواب زمستانه و تولید مثل برای خود مخفیگاه ها و تونل هایی می سازند.
۴. اگر «أوهنَ البیوت» وصف تار در نظر گرفته شود؛ مشعر به نگاه عرفی و ساده رایج در بین مردم است که انسان به سادگی می تواند آن را جمع کرده و از بین ببرد. ولی وصف تار نیست، زیرا تار عنکبوت در بررسی های علمی جزء محکم ترین سازه هاست. آیه بیانگر کاربرد نابجای یک نقش به جای نقش دیگر یا در عرض آن است، بدین گونه که فردی، مخلوقی را به طور عام یا انسانی را به طور خاص به عنوان ولیّ در زندگی خود انتخاب نماید و آن فرد نقشی مستقل یا در عرض خداوند برای آن ولیّ قائل شود. بنا بر این سستی مد نظر در این آیه ناظر بر این گونه نقش پذیری است، در واقع شرک در تمام سطوح و شئون را شامل می گردد.
۵. با توجه به تشبیه بسیار دقیق به کار رفته، خداوند در پی بیان سستی تار نیست و اگر سستی خانه عنکبوت را با سستی تار یکسان در نظر بگیریم با محکم بودن تار عنکبوت، که علم ثابت کرده، در تضاد است. بنابر این «أوهن» ناظر به ایفای نقش است و نه اصل و ذات آن. پس «عنکبوت» تمثیلی از انسانی است که غیر خدا را به عنوان ولیّ انتخاب می کند و «بیت» نیز به معنای منتخب انسان به عنوان

نقد و تحلیل آراء مفسران درباره «أَوْهَنَ الْبُيُوتِ» ذیل آیه ۴۱ سوره عنکبوت و تطبیق آن با علم تجربی □ ۱۳۳

ولی است. در این تمثیل لطافت تعبیر به کار رفته در آیه را نشان می‌دهد؛ گرچه تار عنکبوت محکم است و با سازوکار بسیار پیچیده توسط مخلوق بافته شده است؛ اما این سازه در نقش خانه بسیار سست است و نمی‌تواند آن را از خطر باز دارد و آن نقش را ایفا نماید. بدین ترتیب نقشه‌ها و طرح‌ریزی‌های انسان هرچه قدر به ظاهر محکم و پیچیده در نظر آیند اما تا زمانی که برای خداوند در زندگی خود نقشی در نظر نگیرد، تمام سازوکار زندگی او سست است؛ چون غیر خدا را در جایگاه خداوند نشانده است، همان‌طور که تار عنکبوت بسیار محکم است اما در ایفای نقش خانه بسیار سست است.

منابع و مأخذ

الف) کتاب‌ها

قرآن کریم.

- ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد، *تفسیر القرآن العظیم*، عربستان، مکتب نزار مصطفی الباز، ۱۴۱۹ ق،

چ ۳.

- ابن فارس، أحمد بن فارس، *معجم مقاییس اللغة*، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ ق

- ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمرو، *تفسیر القرآن العظیم*، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۹ ق.

- ابن منظور، محمد بن مکرم، *لسان العرب*، بیروت، دار صار، ۱۴۱۴ ق، چ ۳.

- ابن هشام، جمال‌الدین عبدالله بن یوسف، *معنی الادیب*، تصحیح علیرضا رنجبر، قم، مرکز مدیریت

حوزه علمیه قم، ۱۴۳۴ ق، چ ۹.

- ابوالمنذر، خلیل بن ابراهیم امین، *بیت العنکبوت*، عمان، دار المقتطف، ۱۴۲۳ ق.

- ابو حیان، محمد بن یوسف، *البحر المحیط فی التفسیر*، لبنان، بیروت، دار الفکر، ۱۴۲۰ ق.

- تیمی، یحیی بن سلام، *تفسیر یحیی بن سلام التیمی البصری القيروانی*، بیروت، دار الکتب العلمیة،

۱۴۲۵ ق.

- جزایری، ابوبکر جابر، *ایسر التفاسیر لکلام العلی الکبیر*، مدینه منوره، مکتبة العلوم والحکم، ۱۴۱۶ ق.

- حائری طهرانی، علی، *مقتنیات الدور*، تهران، دار الکتب الإسلامیة، ۱۳۳۸ ش.

- حجازی، محمد محمود، *التفسیر الواضح*، بیروت، دار الجیل، ۱۴۱۳ ق، چ ۱۰.

- حدادی، احمد بن محمد، *المدخل لعلم تفسیر کتاب الله تعالی*، بیروت، دار القلم، ۱۴۰۸ ق.

- حسینی شاه عبدالعظیمی، حسین، *تفسیر اثنی عشری*، تهران، میقات، ۱۳۶۳ ش، چ ۲.

- حسینی همدانی، محمدحسین، *تفسیر انوار درخشان*، تهران، کتاب فروشی لطفی، ۱۴۰۴ ق.
- خازن، علی بن محمد، *لباب التأویل فی معانی التنزیل*، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۵ ق.
- رازی، ابوالفتح حسین بن علی، *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*، تصحیح محمدجعفر یاحقی، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی، ۱۴۰۸ ق.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، *مفردات الفاظ قرآن*، بیروت، دار الشامیة، ۱۴۱۲ ق.
- رضایی اصفهانی، محمدعلی، *تفسیر قرآن مهر*، قم، پژوهش های تفسیر و علوم قرآن، ۱۳۸۷ ش.
- زحیلی، وهبه، *التفسیر المنیر فی العقیدة و الشریعة و المنهج*، دمشق، دار الفکر، ۱۴۱۱ ق، ج ۲.
- زمانی، علیرضا، *راهنمای میدانی عنکبوت ها و عقرب های ایران*، تهران، ایرانشناسی، ۱۳۹۵ ش.
- زمخشری، جارالله محمود، *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الاقوایل فی وجوه التأویل*، بیروت، دار الکتب العربی، ۱۴۰۷ ق، ج ۳.
- سعدی، عبدالرحمن، *تیسیر الکریم الرحمن فی تفسیر کلام المنان*، بیروت، مکتبة النهضة العربیة، ۱۴۰۸ ق، ج ۲.
- سمرقندی، نصر بن محمد، *تفسیر بحر العلوم*، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۶ ق.
- سمین، احمد بن یوسف، *الدر المصون فی علوم الکتب المکنون*، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۴ ق.
- سید قطب، *فی ظلال القرآن*، بیروت، دار الشروق، ۱۴۱۲ ق، ج ۱۷.
- سیوطی، جلال الدین، *الایتقان فی علوم القرآن*، بیروت، دار الکتب العربی، ۱۴۲۱ ق، ج ۲.
- سیوطی، جلال الدین، *الدر المثور فی التفسیر بالمأثور*، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ ق.
- شبر، عبدالله، *الجواهر الثمین فی تفسیر الکتب المبین*، کویت، شرکت مکتب الافین، ۱۴۰۷ ق.
- شیبانی، محمد بن حسن، *کتاب الجیم*، قاهره، الهیئة العامة لشئون المطابع الامیریة، ۱۹۷۵ م.
- صابونی، محمدعلی، *صفوة التفاسیر*، بیروت، دار الفکر، ۱۴۲۱ ق.
- صاحب ابن عباد، *المحیط فی اللغة*، بیروت، عالم الکتب، ۱۴۱۴ ق، ج ۳.
- صادقی تهرانی، محمد، *التفسیر الموضوعی للقرآن الکریم*، قم، دفتر مؤلف، ۱۴۱۲ ق.
- صافی، محمود، *الجدول فی اعراب القرآن و صرفه و بیانه مع فوائد نحویة هامة*، دمشق، دار الرشید، ۱۴۱۸ ق، ج ۴.
- طالقانی، سید محمود، *پرتوی از قرآن*، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۶۲ ش، ج ۴.
- طباطبایی، سید محمدحسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، بیروت، مؤسسة الأعلمی، ۱۳۹۰ ق، ج ۵.

نقد و تحلیل آراء مفسران درباره «أوهن البُيُوت» ذیل آیه ۴۱ سوره عنکبوت و تطبیق آن با علم تجربی □ ۱۳۵

- طبرانی، سلیمان بن احمد، *التفسیر الكبير / تفسیر القرآن العظيم*، اربد، ۲۰۰۸ م.
- طبرسی، فضل بن حسن، *تفسیر جوامع الجامع*، قم، حوزه علمیه قم مرکز مدیریت قم، ۱۴۱۲ ق.
- طبرسی، فضل بن حسن، *مجمع البیان لعلوم القرآن*، تهران، ناصر خسرو ۱۳۸۰ ش.
- طوسی، محمد بن حسن، *التبیان فی التفسیر القرآن*، بیروت، دار إحياء التراث العربی، بی تا.
- طبیب، سید عبدالحسین، *اطیب البیان فی تفسیر القرآن*، تهران، اسلام، ۱۳۷۸ ش، چ ۲.
- عاملی، ابراهیم، *تفسیر عاملی*، تهران، صدوق، ۱۳۴۰ ش.
- عسکری، حسن بن عبدالله، *الفروق فی اللغة*، بیروت، دار الآفاق الجديدة، ۱۴۰۰ ق.
- عیاشی، محمد بن مسعود، *کتاب التفسیر*، تهران، کتابفروشی محمدحسن علمی، ۱۳۸۰ ق.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، *کتاب العین*، قم، هجرت، چ ۳، ۱۴۱۰ ق.
- فیض کاشانی، محسن، *الأضفی فی تفسیر القرآن*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۱۸ ق.
- فیومی، سعید صلاح، *الإعجاز العلمی فی القرآن الکریم*، قاهره، مکتبه القدس، ۱۴۲۴ ق.
- قاسمی، حمیدمحمد، *تمثیلات قرآنی*، تهران، اسوه، ۱۳۸۲ ش.
- قرشی، سید علی اکبر، *تفسیر احسن الحدیث*، تهران، بنیاد بعثت، ۱۳۷۵ ش.
- قرشی، سید علی اکبر، *قاموس قرآن*، تهران، دار الکتب اسلامیة، ۱۳۷۶ ش، چ ۱۲.
- کاشانی، فتح الله، *تفسیر منهج الصادقین فی الزام مخالفین*، تهران، کتابفروشی محمدحسن علمی، ۱۳۳۶ ش.
- مصطفوی، حسن، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸ ش.
- مغنیه، محمدجواد، *التفسیر التامش*، قم، دار الکتب الإسلامی، ۱۴۲۴ ق.
- مقاتل بن سلیمان، *تفسیر مقاتل بن سلیمان*، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۴۲۳ ق.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، *تفسیر نمونه*، تهران، دار الکتب اسلامیة، ۱۳۷۶ ش.
- هاشمی رفسنجانی، اکبر، *تفسیر راهنما: روشی نو در ارائه مفاهیم موضوعات قرآن*، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۶ ش.

ب) مقاله‌ها

- بی نام، «اعجاز علمی قرآن کریم»، *مکاتبه و اندیشه*، ش ۳۸، ص ۴۲ - ۳۲، قم، پژوهشگاه فرهنگ و معارف اسلامی، ۱۳۹۰ ش.
- الجمل، حسن عزالدین، «بیت العنکبوت»، *الأزهر*، ش ۳۲۳، ۱۳۹۲ ق.

- راستگو، کبری و مرضیه مهدیزاده طرقدری، «تحلیل معناشناختی تحلیل معناشناختی همنشینی «وهن»، «ضعف» و «استکانت» در آیه ۱۴۷ سوره آل عمران بر مبنای طرح مؤلفه‌های معنایی»، *پژوهشنامه معارف قرآنی*، سال ۱۰، ش ۳۶، تهران، دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۹۸.
- زغلول نجار، نظمی خلیل ابوعطا، منصور عبادی، هارون یحیی، «اعجاز علمی قرآن کریم»، *مکاتبه و اندیشه*، ش ۳۸، قم، پژوهشگاه فرهنگ و معارف اسلامی، ۱۳۹۰ ش.
- صلاح، رشید، «تأملات فی تفسیر آیه»، *مجله الاعجاز العلمی*، ش ۱۷، ۱۴۲۴ ق.
- کحیل، عبدالدائم، إعجاز؛ «و إنّ أو هن البیوت لبیت العنکبوت لو کانوا یعلمون»، *البصائر*، ش ۷۴۹، ۱۴۳۶ ق.

ج) منابع لاتین

- Blackledge, bn. Todd. A, *Journal of Experimental Biology*, Spider silk as a novel high performance biomimetic muscle driven by humidity, vol. 212, p. 1990, 2009, The Company of Biologists. DOI: 10.1242/jeb.028282
- DOI:10.1016/s1369_7021 (11) 70057_8
- DOI:10.1023/A:1018811001307
- DOI:10.1073/pnas.0807107105
- Eisoldt, Lukas, *materialstoday, Decoding the secrets of spider silk*, vol. 14, p. 82, Bayreuth, Landes Bioscience, 2011.
- Larva, MalakhovBogomolova, *Doklady Biological Science*, vol. 376, P. 91, The first finding of a sea spider (pantopoda) planktonic, 2001.
- Malakhov, Vladimir V., *The first finding of a sea spider (pantopoda) planktonic*, vol. 376, Moscow, Biological Science, 2001.
- Manicom, carryn, Lin Schwarzkopf, “Ross A. Alford”, and Thomas W. Schoener, PNAS, *Self_made shelters protect spiders from predation*, vol. 105, p. 14903, USA, National Academy of Sciences, 2008.
- Scheibel, Thomas, prion, *The elaborate structure of spider silk*, vo. 12, p. 154, Austin, Landes Bioscience. doi:10.4161/pri.2.4.7490, 2008.